

سال دوم

جلسه ۶۳

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۶ / ۱۱ / ۹۰ چهارشنبه

«اعتبار» در لغت :

«اعتبار» در لغت : از ریشه «عبور» و به معنای «پند گرفتن و تفکر» است.

[فاعتبروا یا اولی الابصار/ سوره حشر ؛ آیه ۲]

چراکه : در «تفکر» از ظاهر عبور کرده و به باطن می رسیم و در «پند گرفتن» از حقیقتی به حقیقت

دیگر می رسیم .

اصطلاحات متعدد «اعتباری» در فلسفه

آن دسته از مفاهیم که هم بر «واجب تعالی» حمل می شوند و هم بر «ممکنات»  
لذا : معلوم می شود این دسته از مفاهیم ماهیت ندارند = مثل «علم و حیات»

اصطلاح  
اول

آن دسته از مفاهیم هستند که بر «بیش از یک مقوله» حمل می شوند:  
مثل «حرکت» : که اگر اعتباری نبود، لازم می شد هم «این» باشد و هم «کم» و ..

اصطلاح  
دوم

مقابل اصیل : مثل آنکه می گوئیم، ماهیت، اعتباری است.

اصطلاح  
سوم

اصطلاحات متعدد «اعتباری» در فلسفه

چیزهایی که «وجود مستقل از غیر» ندارند  
مثل : «مقوله اضافه» که می گویند اعتباری است چراکه به وجود موضوعش موجود است

اصطلاح  
چهارم

اعتبارات عقلایی

اصطلاح  
پنجم

کلام مرحوم طباطبائی پیرامون «اعتبارات عقلائی»

این دسته از اعتبارات، گاه معنای «تصوری» هستند : مانند «ریاست، ملکیت»  
و گاهی معنای «تصدیقی» هستند: «زید رئیس» و «هذا الكتاب مملوك»

این دسته از اعتبارات، جز در «ظرف عمل»، واقعیتی ندارند

بازگشت این نحوه از اعتباریات، به «استعاره» است.

مثلا : زید را تشبیه می کنیم به سر و همانطور که سر برای آدمی، رأس است، زید که بزرگ قوم است  
هم به ریاست برگزیده می شود.

[واقعیت = سر / حکم آن = فرمان دهنده / موضوع اعتبار = زید / حکم آن = فرمان دهنده]

کلام مرحوم طباطبائی پیرامون «اعتبارات عقلائی»

مثلا : ملکیت

واقعیت = نفس انسان / حکم آن = تصرف می کند در قوای خود که بر آنها مالکیت واقعی دارد  
موضوع اعتبار = انسان / حکم آن = تصرف در آنچه که در اختیار دارد

مثلا : زوجیت

واقعیت = عدد زوج / حکم = در آنچه بر آنها واقعی می شود، مشترک هستند  
موضوع اعتبار = زن و مرد / حکم = همان

چند نکته :

۱ این دسته پنجم از اعتباریات در علم اصول، گاهی «جعلیات» خوانده می شود

۲ اعتباریات عقلایی از جمله انتزاعیات نیز هستند  
چراکه : به نوعی از «موجودات خارجی» انتزاع می شوند. ولی همه انتزاعیات، اعتباری نیستند.

۳ اعتباریات عقلایی به سبب آنکه در آنها از «فرض» استفاده می شود، از امور «فرضی» هستند  
ولی تمام فرض ها، اعتبار عقلایی نیستند

چند نکته :

۴

برخی می گویند: در اعتباریات عقلایی، نوعی «ادعا» نهفته است.  
به این معنی که : معتبر ادعا می کند که این موجود اعتباری، همان موجود حقیقی است ولی هر ادعایی، اعتبار عقلایی نیست  
برخی دیگر : این مطلب را نپذیرفته اند و اعتبارات را متوقف بر ادعا نمی دانند.

۵

برخی می گویند در اعتباریات عقلایی، نوعی «تشبیه» وجود دارد.  
ولی هر «تشبیهی»، اعتبار عقلایی نیست.  
اما برخی (همانند حضرت امام) وجود تشبیه را در اعتبار، رد کرده اند



اصطلاحات متعدد «اعتباری» در فلسفه

در میان اهل سنت، گاه به «قیاس فقهی» [تمثیل منطقی] اعتبار گفته می شود

اصطلاح  
ششم

برخی گفته اند: به «قیاس منطقی» نیز «اعتبار» گفته می شود

اصطلاح  
هفتم

در فلسفه اخلاق به «آرای محموده»  
(که یک نوع از قضایا هستند که عقلاء آن را می پذیرند) اعتباریات گفته می شود

اصطلاح  
هشتم

اقسام اعتبار :

۱. اعتبار عمومی و اعتبار خصوصی

۱. اعتبار  
عمومی

اعتبار عمومی = «اعتباریات قبل از اجتماع»  
لازم است قبل از هر عمل اختیاری، لازم است انسان «وجوب» را اعتبار کند.

سوال : چرا این نوع از اعتبار، «اعتباریات قبل از اجتماع» نامیده می شود؟  
جواب : چراکه اگر هیچ جامعه ای هم برای عقلاء موجود نباشد، این اعتبار تحقق دارد

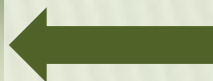
این اعتبار، از تشبیه رابطه «انسان با فعل» با رابطه «علت و معلول» شکل گرفته است

از دیدگاه مرحوم طباطبائی علاوه بر وجوب، حسن و قبح نیز از همین قسم اعتباریات هستند

مشهور : اعتباریات قبل الاجتماع را از زمره مقدمات فعل ارادی نمی دانند و لذا آن را قبول ندارند

اقسام اعتبار :

۱. اعتبار عمومی و اعتبار خصوصی



همان اعتباریات عقلایی می باشند که در علم اصول و فقه با آن سر و کار داریم  
و پس از شکل گیری جامعه، حاصل می شوند

۲. اعتبار  
خصوصی